

## گزارش جلسه اعلام موجودیت

### کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) - واحد اروبرو

#### مقدمه:

جمعی از زندانیان سیاسی دهه شصت و فعالین سیاسی اروبرو - سوئد گرد هم آمدند تا در حمایت و همبستگی از جنبش های اعتراضی اعم از کارگران، دانشجویان، زنان، معلمان و... بویژه دفاع از خیزش های توده ای اخیر و محکوم نمودن کشتار، زندان و شکنجه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی ایران، تشکلی را در جهت نیل به اهداف شان تأسیس نمایند.

این رفقا، پس از نشستهای مداوم و استفاده از خرد جمعی بدین نتیجه رسیدند که کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) - واحد اروبرو را در دفاع از فعالین، جان باختگان و زندانیان سیاسی راه آزادی و سوسیالیسم علیه ستم و استثمارکه علل اصلی آن در نظام جمهوری اسلامی ایران و سیستم سرمایه داریست، در جهت اهداف مبارزه طبقاتی شان ایجاد نمایند.

این رفقا، ضمن دفاع از آزادی مطبوعات، بیان، عقیده، تشکل و... بر این اعتقادند که هیچ فرد و گروه و تشکلی را نمی توان بجرم فعالیت و بیان عقاید سیاسی از مزایای اجتماعی محروم و به زندان، شکنجه و اعدام محکوم نمود. اما یقین و باوردارند تا زمانیکه سرمایه و سیستم سرمایه داری پابرجاست ظلم، ستم، استثمار، فقر، فساد، فحشاء، زندان، شکنجه و اعدام تولید و باز تولید می شود.

این رفقا معتقدند که در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، دموکراسی لازم است اما کافی نیست مبارزه و مرزبندی با سیستم سرمایه داری یکی از معیارهای اصولی و اساسی است.

کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) - واحد اروبرو با این افق و چشم انداز با پخش آفیش هایی به زبان فارسی و سوئدی و تکثیر اساسنامه موقت کانون و همچنین پخش اطلاعیه با برگزاری مراسم بزرگداشت زندانیان سیاسی جان باخته دهه شصت و همچنین جوانه هایی که در جنبش توده ای اخیر پرپر شدند موجودیت شان را در روز شنبه هفدهم اکتبر اعلام نمودند.

#### گزارش جلسه:

در آغاز **رضرغام اسدی** یکی از فعالین سرشناس استان اروبرو بعنوان مجری برنامه ضمن خوشآمد گویی به حضار و اعلام برنامه از تاخیر نیم ساعته برای شروع جلسه عذرخواهی نمودند. ایشان پس از ارائه مطالبی کوتاه در باره اوضاع و وقایع اخیر، سخنران این مراسم **احمد موسوی** را که ده سال از بهترین دوران جوانی اش را در سیاهچال های رژیم اسلامی بسر برد برای سخنرانی دعوت کردند.

**ر. احمد** نویسنده کتاب شب بخیر رفیق، زندانی سیاسی دهه ۶۰ و از جان بدر بردگان کشتار جمعی زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷، پس از قرائت شعر "دریچه پشت دریچه

شکنجه پشت شکنجه

نقاب پشت نقاب

صدای بند و سلسله دار می آید"

سخنرانی اش را با بررسی ابعاد کشتار و شکنجه زندانیان در سال های نخست دهه ۶۰ آغاز کرد و گفت: زمینه های کشتار هزاران زندانی سیاسی در تابستان ۶۷ را، باید در ماهیت سرکوبگرانه نظام جمهوری اسلامی جستجو کرد. آنچه که در تابستان ۶۷ اتفاق افتاد، ادامه کشتار مبارزان و آزادی خواهان در سال های نخست دهه شصت بود. رهبران نظام، مسئولان زندان ها و بازجوهای رژیم، از همان آغاز بارها اعلام کرده بودند که در شرایط بحرانی، تمام زندانیان را خواهند کشت.

**ر. احمد** در فراز دیگری از سخنرانی خود گفت: و در تابستان ۶۷ بود که، با پایان یافتن جنگ ارتجاعی، میان دو رژیم صدام و خمینی، شرایط بحرانی برای جمهوری اسلامی فرا رسید. با پایان جنگ، توده های مردم به دنبال مطالباتشان بودند. اوضاع به نفع توده ها و نیروهای سیاسی رقم خورده بود. وقوع تلاطمات سیاسی، از هر زمان دیگر محتمل تر شده بود. طبیعتاً رژیم دیگر نمی توانست به سادگی و به بهانه شرایط جنگی، سرکوب و کشتار را همانند گذشته به جامعه تحمیل کند. و مهمتر از همه، پایان جنگ و

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل، برای رهبران رژیم، شکست روانی در نزد توده‌ها و برای خمینی به منزله نوشیدن "جام زهر" بود.

او سپس با اشاره به جناح بندی های درون جمهوری اسلامی، تاکید کرد که تمام جناح های رژیم، مستقیماً در کشتار جمعی هزاران زندانی سیاسی در تابستان ۶۷ نقش داشته اند. و از این رو با گذشت بیست و یک سال، هنوز پرداختن به کشتار تابستان ۶۷، برای همه جناح های رنگارنگ جمهوری اسلامی، به عنوان خط قرمز تلقی می‌گردد. و چنانچه شاهدش هستیم، از آن زمان تا کنون تمام جناح های حاکمیت، از اصول‌گرا گرفته تا "اصلاح‌طلبان"، همه به آن وفادار مانده‌اند.

سخنران مراسم، که در زمان وقوع کشتار، در زندان نیروی دریائی رشت بود، ضمن بیان فزاینده‌ای از چگونگی کشتار گفت: در بندی که مجموعاً ۱۲۰ زندانی بودیم، حدود ۹۵ زندانی قربانی جنون خمینی شدند. او سپس در چرائی برجسته شدن کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷، چه در درون جامعه ایران و چه در سطح بین‌المللی، تاکید کرد که:

اگر چه نفس هر جنایت، جنایت است. اگر چه کشتن حتا یک انسان، به جرم باورهای سیاسی، می‌تواند اقدامی فاجعه آمیز باشد. اما، آنچه یک اقدام جنایت‌کارانه را بی توجه به ابعاد آن برجسته‌تر می‌کند، دوران تاریخی وقوع آن جنایت است. چنانچه اگر امروز انسانی را به صلیب بکشند، طبیعتاً عمق این اقدام جنایت‌کارانه، از کشتن هزاران انسانی که در دوران برده‌داری و یا قرون وسطی به صلیب کشیده شدند، فاجعه بارتر خواهد بود. اگر با یک چنین نگاه تاریخی، به کشتار تابستان ۶۷ بنگریم، آنگاه می‌توان دریافت که جمهوری اسلامی چه جنایت هولناکی را مرتکب شده است. تا جائیکه، مادران، همسران، فرزندان و پدران قربانیان تابستان ۶۷، هنوز در زیر آوار این جنایت هولناک دست و پا می‌زنند.

ر. احمد موسوی با بند دیگری از همان شعر، سخنرانی خود را به پایان رساند.

"بیا و با ما باش      بیا و بی ما باش      بیا به اشک بپیوند      که جوی باریکی ست.

سپس به رود بپیوند اگر هدف دریاست".

آنگاه ر. **ضرغام** بعنوان یکی از دست اندر کاران کانون به زبان سوئدی گفت :

گفته های احمد حاکی از یک تراژدیست که دامنگیر میلیونها نفر و خانواده در طول دوران سی ساله نظام جمهوری اسلامی شده است. گفته های فوق مرا به یاد مادرم انداخت که در تیرماه ۱۳۶۷ خیر تیر باران برادرش **مسعود** و فرزندش **غضنفر** را دریافت نمود. دو جوانی که زندگی شان از آغاز تا پایان بهم گره خورده بود و یادم نمی رود که در هنگام تحویل پیکرشان پسر عموم محمد حسین که در آن زمان فقط پانزده سال داشت از دیدن چهره های سوراخ و خونین شان در همان لحظه فوراً جان باخت و مشکلات چند برابر شد. خاطرات مادرم و سایر مادران که سنبل درد و رنجند، ناشی از درد جانکاه و سوز و گدازهایی است که در طول سی سال حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی انباشته شده است.

**ضرغام** در خطاب به حضار گفت: آقایان و خانم ها، دولتمردان سوئد و کشورهای اروپائی، این تراژدی حکایت سالهای اخیر نیست، بلکه واقعیت سی سال نظام جمهوری اسلامی است که توسط رفسنجانی ها، موسوی ها و خاتمی ها، یزدی ها، جنتی ها و ناطق نوری ها و احمدی نژادها و خامنه ای ها و همه جناح ها از محافظه کار ها تا اصلاح طلبان یعنی کلیت نظام جمهوری اسلامی حاکم بر ایران است. متأسفانه رسانه های غربی تضاد درون جناحها را برای کسب هژمونی طلبانه شان و چگونگی رابطه با امپریالیست ها و همچنین چگونگی ایجاد سد و مانع جنبش های اعتراضی و کنترل و مهار این جنبش ها و اتخاذ شیوه سرکوب شان وارونه جلوه میدهند و **جناح باصلاح اصلاح طلبان را که دست شان همچون محافظه کاران به خون تک تک انسانها آلوده است ا**

**دموکرات و مدافعین دموکراسی می خوانند.**

او سپس چنین ادامه داد: این در حالیست که تمامی سردمداران جمهوری اسلامی تضاد ها را دعوائی درون خانوادگی برای حفظ نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی شان می نامند.

آنگاه **ضرغام** اسدی مطالبش را چنین فرموله کرد: **کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) - واحد اروپرو دوشا دوش مردم**

زحمتکش و غیور ایران برای سر نگونی دولت و نظام جمهوری اسلامی در ایران به مبارزاتش تداوم خواهد داد. ما از جامعه و افکار عمومی سوئد و همچنین از دولت سوئد و کانون ها و سازمانها و احزاب سوئد بویژه این استان انتظار یاری و کمک و مساعدت در این راه را داریم.

سپس مجری برنامه از **ر. عباس سماکار** نویسنده متعهد و شاعر انقلابی برای قرائت اشعارش دعوت بعمل آورد. او که در زندان های رژیم ستم شاهی رفقای ارزشمندی را از دست داده بود در آغاز چنین گفت:

پیکار دلاورانه مردم ایران در برابر یکی از تبهکارترین حکومت های سرمایه داری جهان نشان دهنده عزمی است برای رسیدن به یک دنیای نو و زیبایی پیش روی شان. دنیایی که در آن انسان ناچار نباشد برای سیر کردن شکمش تحقیر بشود و بندگی کنه. رسیدن به این جامعه نو، رسیدن به آزادی و عزت، شرافت به زندگی انسانی و بی تردید دیر نخواهد بود که بر پرچم پیروزی، رهائی از هر ستم اجتماعی و طبقاتی خواهد درخشید. **ر. عباس** در تداوم سخنانش گفت:

از همین رو هم هست در افق درخشان مبارزات مردم ایران پایه های کاخ ستم و سلطه جمهوری اسلامی به لرزه در آمده. در ستایش این پیکار بزرگ، شعر سرزمین ما سالهای دراز بود که در ذهنیت خود سخن سر میداد. اما اکنون که این سر فصل نوین به شکل واقعی فرا رسیده، گوئی آنقدر شکوهمند است که شعر به راستی قادر به توصیفش نیست. با این حال در شعر، ناامیدی معنا ندارد. و اینکه این تلاش تا چه حد چهره های گوناگون این مبارزه رو به تصویر در می آید و بیان می کند، قضاوتش به عهده شماست. آنگاه این رفیق مبارزمان، اشعارش را برای عزیزانی که در سالن حضور داشتند، خواند.

## آشنا

نه	اما بر منظر غریب آتش و دود و خون و هیاهو
شکی ندارم	ناگهان
که برق نگاهت آشناست	چشم هایت در بُهت غریبی فرو می رود
و باید جائی دیده باشم ات	و من فکر می کنم
ولی	باید کسی این پرده را پس بزند
هر چه گوش می دهم	و بگویند
صدایت را نمی شنوم	انبوه این نگاه های آشنا
حداقل نشانه ای بده	در این جسدهای به خون خفته کابوس های من
بگذار حافظه ام از پس این سال های دور	از آن کیست
یاری ام کند	

\* \* \*

با دعوت مجری برنامه **ر. بهروز کرد احمدی** یکی از بهترین مترجمین اشعار کردی، شاعر و فعال سیاسی در خطاب به حضار گفت:

خانمها، آقایان و رفقای گرامی در سالگرد یکی از هولناکترین جنایات تاریخ انسانی و پژمرده شدن فروغ زندگی هزاران انسان پاک و مبارز در کمتر از دوماه بدست رژیم اسلامی مسلط بر ایران، با اندوهی بیمارزما امید می همواره فروزان به شما درود می گویم. سی سال به درازا کشید تا جرقه های زیر خاکستر مرگ و نا کامی که هر روز و شب بر جان و جهان جوانان مان و عزیزان مان سنگینی کرده، طوفانی اینچنین طوفنده، راه وار و نا ایستا گردد و بر خرمن و خرگاه دشمنان ایران لهیب افکند، و اساس ستمشان را به لرزه در آورد.

سپس چنین ادامه داد: سی سال به درازا کشید و در این سی سال بسی رنجها که بر همه ما رفت ، بسی زندگی ها که فنا گشت، بسی عشق ها که به زوال نشست، بسی غرور ها که لگد مال شد و میلیونها مردم در ماتمکده ای بزرگ و زندانی بزرگتر بنام ایران ، نه زندگی، که نیست را در تمامی شئونشان به آزمون نشستند، خون دل خوردند و حسرت بردند.

آنگاه گفت : پس از سی سال ، این همه آه و اشگ و درد و نفرت و خون و ایستادگی، دارد اما امروز به بر می نشیند. این طوفان نخواهد ایستاد ، و سوگند به همه جانهای عزیزی که در دوزخ سیاه جمهوری اسلامی زوال و ذغال شدند، این طوفان دامن و دستار دشمنان را خواهد نوردید و به گورستان خواهد سپرد. سپس بهروز اشاره کرد: شعری را که برای ندا و تمامی ندهایی که بویژه در تاریخ سال هزار و سیصد و شصت و هفت در سیاهچال های رژیم انجزه گویان، به خون نشانده شدند قرائت نمود.

## ندا

بردارید روسری و مقنعه ندا را	حجاب سراسر پیرایه خدا را
بگذارید موهایش پریش و آزاد گردد	واپسین نفسهایش همراه باد گردد
بنگریدش ، دخترکم چه سان شکوفاست	نگاهش پرسشگر است و قرص و پا برجاست
نگاهش نکوهشی بس گزنده بر ماست	که عشق بود و زندگی بود ، آنچه او میخواست
او کیوتر رنگین بال آزادی است	ندای قرن ها اسارت ها در وادی است
او ترنم لبخندی شادمانه در ظلمت	او غریب حسنی خواستن است در حرمت
او فریاد دوشیزه ایست اسیر شب	هنگام دست درازی دیو های طعب ***
بنگرید نیلی آسمان را به چشمهایش	ببینید جاودانه زیستن را در جهانیش
رگه خون بر لبانش ، ماتیکی است زیبا	سرخابی است گلگون و زیباتر از هر دیبا
ندا و خونش ، خروش شورش زن است	آتشی بر تاریکستان هر لجن است
دل زخمینش ، گداخته خورشیدی است سوزان	در ندای هر دختری میشود عریان
بگذارید آرام بخسبد دخت نازم	سنبل مهر و عشق و رنگ و نور و رازم
بسوزانید مقنعه سیاه ندا را	آزاد کنید این پرنده خوش صدا را

ای دوشیزگان خار چشم استبداد

مرگ بر آنان و...

عشق و لبخند بر شما باد ...

پس از استراحت بیست دقیقه ای و صرف چای و قهوه و شیرینی و باز دید از میز کتاب ، وقت برنامه اختصاص به موسیقی یافت.

**گیسو شاکری** نویسنده و هنرمند متعهد و انقلابی در تبعید، پس از ایراد نکاتی چند در ارتباط با وظایف انقلابی تک تک ما در مبارزه با جمهوری اسلامی گفت : که زندانی سیاسی نبوده است اما، یکی از شاهدان تاریخی این فاجعه ی خونین بوده است که به کشتار و قتل عام یک نسل زنده و هوشیار انجامیده ، شاهد گریه ها و غمها و شیونهای مادران، پدران، زنان و مردانی که عزیزان خود را در زندانهای جمهوری اسلامی و تنها به خاطر دفاع از آزادی و ارزشهای انسانی از دست داده بودند.

او گفت : که به باور او این جنایتهای بی رحمانه و بی مرز که به قتل عام هزاران نفر و تنها به خاطر باورهایشان انجام شده است نه فراموش شدنی و نه بخشیدنی است و امیدوار است که عاملان و مجریان این کشتارها در یک دادگاه قانونی محاکمه شوند.

آنگاه گفت : که در کنار مردم ایران و تا آزادی ایران، راه آن عزیزان را ادامه خواهیم داد.

سپس، یکی از ترانههایش را به نام "نام چو جاوید شد، مردنش آسان کجاست" که به یاد و خاطره ی قتل عام شده گان دهی شصت خوانده است، اجرا کرد. ترانههایی با شعرهایی از دکتر شفیع کدکنی از دیگر برنامههای اجرا شده بود. "سرزمین من"، ترانهی

دیگری بود که اجرا شد. ترانه‌های پر از دلالتگی برای سرزمینی که ویران شده است و فقر و سرکوب به آن تحمیل شده و استبداد دینی آن را از درون ویران کرده است.

**گیسو** در لابه لای اجرای برنامه، شعری از سروده های خود را خواند و در پایان به درخواست حاضران سرود دایه دایه معروف را بعنوان آخرین آهنگ به جمع تقدیم کرد. همه با شور و حال غیر قابل وصفی، هنرمندشان را همراهی نمودند. مجدداً جمع با تشویق و کف زدن های ممتد، خواننده انقلابی شان را وادار نمودند تا آهنگ دیگری اجرا نماید. آخرین ترانه "چو هنگامه..." بود که پس از خیزش اخیر مردم ایران اجرا کرده است. ترانه‌ای که حال و هوای خیزش میلیونی مردم در خیابان‌های ایران را در خود داشت و احساس بپا خاستن برای دگرگونی شرایط خفقان تحمیل شده بر مردم را به حاضران منتقل کرد. این آهنگ زیبا، گرمای خاصی به جمع داد.

**گیسوشاکری** در پایان اشاره کرد که ما خشونت طلب و جنگ طلب نیستیم اما، با رژیم رور روییم خشن و بی رحم و مستبد که تا دندان مسلح است و فرزندان ما را در طول سی سال در زندان‌ها کشته است و مردم را با خشونت آمیزترین شکلی سرکوب کرده است و حالا هم ضمن ادامه خشونت و پایمال کردن تمام آزادی‌ها، مردم را در خیابان‌ها با بی رحمی می‌کشد. او گفت که ما خشونت طلب نیستیم. ما تنها از خودمان دفاع می‌کنیم. **گیسو شاکری** باتوجه به امکانات محدودی که برای اجرای موسیقی در سالن مهیا شده بود با برخوردهای بی‌ریا و صمیمانه اش خاطره ای زیبا از خود بجا گذاشت.

قیلم **شاهدان چشمبند زده** با مضمون و محتوای ارزنده از استوار زنان و مردان مقاوم زندانهای رژیم جمهوری اسلامی در یکی از بدترین دوران های تاریخ با زیر نویس انگلیسی ساخته کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)، بعنوان آخرین قسمت برنامه برای حضار به نمایش گذاشته شد.

### یاد آوری نکاتی چند:

- مجری برنامه **ر. ضرغام اسدی** در تمام مدت، به دو زبان فارسی و سوئدی سخن گفت که یکی از نکات بسیار مثبت و موفق این حرکت جمعی محسوب گردید.
  - پس از یک دهه واندی سال این اولین برنامه سیاسی ایرانیان در شهر اروبرو بود. بهمین دلیل، اکثریت قریب باتفاق با خوشحالی خواهان تداوم چنین برنامه های سیاسی و همکاری در سطوح گوناگون شدند.
  - بدون هیچ برنامه از قبل تنظیم شده ای مجری برنامه برای قدردانی از رفیق خوب و پرتلاش و کوششگرمان، **بابک عماد** که یکی بنیان گذاران کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) است را به روی سن دعوت نمودند و ایشان هم مختصراً از تاریخچه کانون و چگونگی تشکیل آن و ایجاد شعبات و واحد ها در کشور ها و شهرهای مختلف سخنانی بیان نمود.
  - روزنامه **نرکس آلاهاندا** یکی از معتبرترین روزنامه های استان اروبرو و تنها روزنامه سراسری این استان روز یکشنبه هیجدهم اکتبریک صفحه کاملش را به مصاحبه با رفقا **احمد موسوی و ضرغام اسدی و افتتاح کانون اختصاص داد.**
  - حدود شصت نفر در این جلسه بزرگداشت شرکت نمودند اما ظرفیت و پتانسیل شهر از این بیشتر است.
  - پیشنهادات و انتقادات سازنده و هدایتگرانه ای از طرف شرکت کنندگان در جلسه با رفقای کانون در میان گذاشته شد که یقیناً در برنامه های آینده کانون اثرگذار خواهد شد.
  - برنامه با نیم ساعت تأخیر شروع شد و این تنها انتقاد مهمی بود که از طرف اکثریت شرکت کنندگان از کانون بعمل آمد.
- ما رفقای کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) — واحد اروبرو ضمن پذیرفتن انتقاد فوق، مصممیم که در آینده حتماً **رأس ساعت** اعلام شده برنامه ها را به پیش ببریم.

[kanoonorebro@yahoo.se](mailto:kanoonorebro@yahoo.se)

آدرس ایمیل کانون

۰۰۴۹۷۰۲۱۷۷۲۱۱

تلفن تماس: